

به جای از گوشه و کنار!

اسماعیل حدادیان مقدم

www.translatornotes.blogspot.com

من هیچ وقت نتوانسته‌ام به سردبیر محترم مترجم، نه بگویم و همیشه به هر ترتیب که بوده، حتی در آخرین لحظات، مطالب "از گوشه و کنار" را آماده کرده‌ام. این بار، اما، به دلایلی که بیش از همه خود سردبیر از آن خبر دارد، نمی‌توانم چیزی به خوانندگان فخیم و نکته‌سنج مترجم تقدیم کنم که بتواند "زنگ تفریح" آنها در مترجم باشد. من به زودی برای ادامه تحصیل به خارج از کشور می‌روم و به دلیل گرفتاری‌های شغلی و تهیه مقدمات این سفر، مجالی برای تهیه مطالب "از گوشه و کنار" فراهم نشد. البته راستش را بخواهید چند مطلب داشتم که بیان شده است.

اگر حمل بر خودستایی نشود و از کنار خبر اهدای جایزه‌ای که به عنوان بهترین مترجم کتابهای کودک در یازدهمین جشنواره کتابهای کودکان و نوجوانان به من دادند، بگذریم؛ از کنار خبر درگذشت کریم امامی چگونه می‌توانم بگذرم؟ چه طور می‌توان مترجم را به دست گرفت و نشانی از "کارگاه ترجمه" کریم امامی در آن ندید؟ هنوز هم نمی‌توانم باور کنم که او در میان ما نیست و خوانندگان مترجم از فیض خواندن مطالب دقیق و نکته‌پردازانه او محروم شده‌اند؟ کریم امامی را اولین بار در طی روزهای برپایی نخستین همایش ترجمه ادبی در مشهد (۱۳۷۸) دیدم و از مصاحبت با او بهره‌ها بردم و این علاقه که از مدتها قبل با خواندن "از پست و بلند" ترجمه شروع شده بود، بعدها با خواندن مطالب او در مترجم و برقراری تماسهای تلفنی از دفتر مترجم با ایشان، بیشتر و بیشتر شد. کریم امامی آن قدر فاضل و فروتن بود که بی‌هیچ چشمداشتی در همه این سالها یار و یاور مترجم بود و این اواخر هم که خوانندگان "ریدر" را بی‌نصیب نمی‌گذاشت. دکتر خزاعی‌فر در مقاله خود، حق مطلب را درباره ایشان ادا کرده است و چیزی دیگر برای گفتن باقی نمی‌ماند. با این

همه، خیلی دوست دارم تا دو نکته را که از تنها گفت‌وگوی ایشان با مترجم (شماره ۱۲) انتخاب کرده‌ام، برای حسن ختام این مطلب در اینجا بیاورم. نخست ما حرفی که امامی درباره ویژگی مترجم خوب می‌زند: "مترجم خوب و پروسواس تا آخر عمرش طلبه باقی می‌ماند و هیچ وقت از آموختن دست نمی‌کشد." و دیگر، توصیف او از ترجمه کردن یک کتاب: "ترجمه کردن یک کتاب چیزی شبیه به هم‌اتاق شدن و زندگی کردن با فرد دیگری است، اگر اخلاق و رفتار او را دوست نداشته باشید، بدا به احوال‌تان!"

و اما چند نکته دیگر. بیشتر خوانندگان مترجم می‌دانند که دومین همایش ترجمه ادبی در ایران در روزهای ۶ و ۷ مهرماه ۱۳۸۴ در مشهد برگزار خواهد شد. صد افسوس که نمی‌توانم در این همایش حاضر باشم. قصد داشتم با تهیه گزارش و انجام گفت‌وگو با مترجمان و نویسندگان حاضر، مطالب مفیدی برای انتشار در شماره آتی مترجم آماده کنم. امیدوارم سردبیر محترم به نحو مقتضی این مهم را انجام دهند. کاش کسی پیدا شود و در ایام برگزاری همایش، گزارش روزانه آن را در یک و بلاگ بنویسد تا کسانی که در همایش حاضر نیستند، بتوانند از کم و کیف قضایا باخبر شوند.

و اما چند عذرخواهی. اول از همه از دکتر خزاعی‌فر و خوانندگان مترجم که در این شماره مجبورند به جای "از گوشه و کنار" این مطالب را بخوانند. دوم از خانم محبوبه نجف‌خانی که قرار بود ترجمه ایشان از مجموعه هفت جلدی "در جستجوی دلتورا" را در این شماره معرفی و نقد کنم. انتخاب این اثر و اقبال نوجوانان به این اثر، بی‌شک حاکی از انتخاب درست و ترجمه خوب ایشان است. در آخر نیز از دوست عزیزم آقای دکتر مهران زنده‌بودی که قول داده بودم سایت "ترجمه‌شناسی" ایشان را در بخش "راهنمای مترجم" معرفی کنم.

نکته آخر. خوانندگان گرامی مترجم هنوز هم می‌توانند اخبار و رویدادهای دنیای ترجمه در ایران و جهان را در و بلاگ من بخوانند خوشبختانه چند وقتی است که فعالیت‌های خوبی در زمینه ترجمه در دنیای اینترنت صورت گرفته است که از آن جمله می‌توانم به راه‌اندازی چند وبلاگ و سایت ترجمه به زبان فارسی درباره ترجمه اشاره کنم. امیدوارم فقدان از "گوشه و کنار" در این شماره با چند مطلب خوب و خواندنی در شماره بعد جبران شود.

فرهنگ تلفظ نام‌های خاص

فرهنگ تلفظ نام‌های خاص (تاریخی و جغرافیایی) تألیف فریبرز مجیدی به همت فرهنگ معاصر منتشر شد. وجود نسخه‌ای از این فرهنگ ارزشمند روی میز هر مترجم و ویراستاری کاملاً ضروری است. در پیشگفتار کتاب، مولف می‌نویسد:

همه مترجمان، ویراستاران، پژوهشگران، استادان، دانشجویان، و به طور کلی همه کسانی که به نحوی با متن‌های خارجی سروکار دارند، نیازمندند که از طریق منبعی معتبر به تلفظ درست هر نام خاص تاریخی و جغرافیایی، تقریباً آن طور که در کشور مبدأ تلفظ می‌شود، و نیز به ثبت املائی فارسی آنها، راهنمایی شوند. در اکثر نوشته‌هایی (اعم از تألیف یا ترجمه) که به زبان فارسی انتشار یافته‌اند، مولفان و مترجمان - یا به سبب در اختیار نداشتن منبعی جامع و مطمئن برای یافتن تلفظ صحیح نام‌های خاص، یا در اثر بی‌حوصلگی و بی‌دقتی در تحقیق، یا به دلیل سهل‌انگاری و ضروری ندانستن مطابقت نام خاص با زبان و کشور مبدأ - بیشتر نام‌های خاص را یا به صورت نادرستی که متداول شده‌اند و یا به صورتی که خود حدس می‌زده‌اند ثبت و ضبط کرده‌اند؛ گاه نیز نام‌های انگلیسی [یا امریکایی] را با تلفظ فرانسوی... در نوشته‌ها وارد کرده‌اند، و کوشیده‌اند که بی‌دقتی و سهل‌انگاری خود را با این استدلال موجه جلوه دهند که خارجیان نیز دربند آن نیستند که تلفظ خود از نام‌های خاص کشورهای بیگانه را با صورتی که در کشور مبدأ معمول است مطابقت دهند. این استدلال چندان مطابق با واقعیت نیست، زیرا وجود منابع متعدد به زبان‌های لاتینی برای به دست دادن تلفظ صحیح نام‌های خاص برحسب زبان کشوری که هر نام به آن تعلق دارد نشان می‌دهد که در راه حفظ حداکثر امانت ممکن برای تلفظ نام‌ها کوشش‌هایی شده است، و مردم فرهیخته و موشکاف هر کشور، تا جایی که عادت‌های زبانشان به آنان اجازه می‌دهد، خود را مقید می‌دانند - یا باید مقید بدانند - که هر نام خاص را تا سرحد امکان بر طبق گویش آن در زبان مبدأ تلفظ و ثبت کنند. وانگهی، پای بند نبودن عده‌ای از افراد عامی به حفظ امانت و بی‌دقت بودنشان دلیل موجهی نیست بر این که ما نیز دربند حفظ امانت نباشیم و نام‌های خاص را با همان تلفظ اصلی در زبان مبدأ - در حد امکان و تا جایی که عادت‌های زبانی به ما اجازه می‌دهد - ثبت و ضبط نکنیم.